

دوهفته‌نامه‌ی سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

سال سیزدهم شماره‌ی ۱۴۴ نیمه‌ی دوم اسفند ۹۹

قیمت: ذکر شریف اللهم عجل لولیک الفرج





نشریه ی سرخط



Pguavini

دانشکده پردیس - طبقه اول - برای ارتباط با ما، ارائه ی پیشنهاد و یا انتقاد از
سمت چاپ - انتهای راهرو طریق فضای مجازی با ما در ارتباط باشید

شناسنامه

صاحب امتیاز	مدیر مسئول	سرپرستان	صفحه آرا	هیأت تحریریه
بسیج دانشجویی	علی عمرانی	محمد امین نورانی محمد امین میرشکاری	سید امیر حمزه حسینی	پگاه امامی فاطمه سرکاری حمزه کرمی محمدرضا بنافیان پویا حاجی زاده محمد علی دشتی نژاد

فهرست

- | | | | |
|---|----------------------------|----|-------------------------|
| ۳ | روشنفکری به روشنگری ست | ۱۰ | باخت فوتبال ایران |
| ۴ | کابین کابینه ها (۱) | ۱۲ | واکسن چی شد؟! |
| ۵ | فاتحه ی انسانیت را بخوانید | ۱۳ | ایران مدرن |
| ۶ | ابتدالِ هنر | ۱۴ | استاد واقعی آمده |
| ۷ | جایگاه زن در اسلام | ۱۴ | معشوق به کام است |
| ۸ | چاشنی انفجار نباش | ۱۵ | گُجیک خوان |
| ۹ | سر گُشاده | ۱۶ | مراقب چشم های تان باشید |

اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد. اصلح کسی است که بتواند این بار عظیم را بر دوش بگیرد. هرکسی نمی‌تواند؛ نشاط و حوصله و همت و قدرت و هوشمندی نیاز را ندارد. هرکس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود صالح است، اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و انتخاب کرد.

رهبر انقلاب - ۱۳۸۴/۰۲/۱۷

بیانات در دیدار با مردم شهرستان جیرفت



روشنفکری به روشنگری ست

سرمقاله

سخن

به گواه تاریخ نگاه قاطبه‌ی مردم ایران در انتخابات‌ها بیش از آن که به احزاب، جریان‌ها و جناح‌های سیاسی باشد، معطوف به نیازهای برجسته‌ی جامعه در برهه‌های زمانی مختلف بوده است. هرچند همیشه اصحاب قدرت و ثروت با به خدمت گرفتن رسانه‌های اثرگذار سعی در جهت‌دهی به اذهان عمومی برمی‌آیند اما آن‌چه از تاریخچه‌ی انتخابات‌ها می‌توان دریافت این است که ترجیح ملت نه اشخاص بلکه همگرایی شعارهای انتخاباتی نامزدها با خواست و نیازهای روز جامعه بوده و نمی‌توان یک جناح را نسبت به دیگری از نظر کمیت برتری داد. اما پر واضح است که شعارهای انتخاباتی نامزدها با عملکرد ایشان هیچ‌گاه هم‌خوانی و مطابقت نداشته است و به قول معروف «به عمل کار برآید به سخن‌دانی نیست»

طبق روال همیشگی انتخابات‌ها پیش از نام‌نویسی و طی روند معمول برای تبلیغات و اخذ رأی، حواشی و گمانه‌زنی‌هاست که بازار داغ و گداخته‌ای پیدا می‌کنند. شایعات ورود برخی اشخاص به انتخابات و هجمه‌هایی که طرفداران‌شان به سایر نامزدهای احتمالی می‌زنند نقل محافل عمومی می‌شود و گاهی فضا را ملتهب می‌کند.

فارغ از تمام اشخاص و احزاب، آن‌چه برای‌مان مهم است انتخاب اصلح است. زمینه‌سازی برای عدم امکان فرافکنی و ظاهرسازی یک نامزد در کارزارهای انتخاباتی (چیزی که به آن وعده وعید می‌گویند) وظیفه‌ی من و شما به عنوان یک دانشجویست.

آن‌چه در سال‌های اخیر جای خالی آن را به وضوح دیده‌ایم و لمس کرده‌ایم جوی پویا در جوامع دانشجویی‌ست که با روشنگری سعی در شناساندن کاندیدای اصلح داشته باشند اما متأسفانه وعده‌های ستادهایی که اهل ریخت و پاش هستند و صدالبسته چشم‌داشت برخی سودازدگان رانت و رابطه، به شکل اسفباری به دوقطبی‌ها و ایجاد فضایی مسموم دامن زده است.

امروز، بیش از آن که اهل فضل و عمل در عرصه‌های انتخاباتی بدرخشند طبل‌های توخالی و پر سر و صدا هستند.

گرچه شرایط نامساعد اقتصادی همه را بر آن داشته که آینده‌نگر و در پی انتفاع شخصی باشند اما مطمئن باشید زیان حمایت از اشخاص ناکارآمد، بیش از عواید احتمالی آن خواهد بود. زیباست اگر رسالت یک دانشجو به عنوان مؤذن و چراغ راه جامعه را شرافتمندانه به انجام برسانیم و از موج‌سواری‌های حزبی که پیش‌تر شاهد فرو رفتن دود آن در چشم ملت بوده‌ایم بپرهیزیم.

روشن‌فکران واقعی جامعه کسانی هستند که حضور و کلام‌شان روشنی‌بخش راه مردم باشد؛ نه تیپ و قیافه یا دک و پز و ادا و اطوار شان میان آن‌ها و مردم مرز بگذارد.

علی عمرانی

تحمیلی با سیاست‌های اشتباه رییس جمهور همراه بود که باعث پیشروی حزب بعث و سقوط یا محاصره چند شهر استراتژیک خوزستان شد. این مسئله حمایت حزب جمهوری اسلامی و امام خمینی را از بنی صدر برداشت.

بنی صدر که خود را در ابتدای سال ۶۰ منزوی می‌دید دست به دامان گروهک مجاهدین (منافقین) شد. این اتحاد، با فراخوانی خطاب به مردم برای قیام علیه انقلاب همراه شد که التهایی در برخی شهرهای ایران در پی داشت. سرانجام در نخستین روز تابستان سال ۶۰ مجلس رای به عدم کفایت بنی صدر داد تا عمر دومین کابینه به سه سالگی انقلاب نرسد. پس از بنی صدر، محمد علی رجایی رییس جمهور شد. آقای نخست وزیر که در فاصله ی عزل رییس جمهور تا برگزاری انتخابات، زمام امور را در دست داشت توانست اعتماد عموم ملت را در انتخابات جلب کند.

رجایی که باهنر را هم به عنوان نخست‌وزیر در کنار خود می‌دید، پیش از آن که یک ماهگی کابینه‌شان را ببندد با انفجار در دفتر نخست وزیر ترور شدند و به شهادت رسیدند. انفجار دفتر نخست‌وزیری همانند انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی به دست مجاهدین خلق (منافقین) صورت پذیرفته بود. و بدین ترتیب دومین رئیس جمهور ایران که همیشه به خود یادآوری می‌کرد فرزند یک دست‌فروش است به جمع شهدای ترور پیوست.

شهید رجایی پیش از انقلاب علیه رژیم شاهنشاهی فعالیت داشت و چند سال تحت بازداشت و شکنجه‌ی ساواک بود. دلیل دستگیری او قرابت با عناصر مجاهدین خلق (منافقین) بود. کسانی که سال‌ها بعد طرح قتل او را عملی کردند.

علی عمرانی

اولین کسی که پس از انقلاب کابینه تشکیل داد، مهندس مهدی بازرگان بود. او که در هیچ رفراندومی انتخاب نشده بود مامور تشکیل دولت موقت شد. وی که ابتدا قایل به مداخله در سیاست نبود، با دولت مصدق و تصدی معاونت وزارت فرهنگ وارد عرصه‌ی سیاست شد. او حتی در ماجرای صنعت نفت مامور خلع ید شرکت نفت شده بود. با این همه، از اعراض مصدق از بریتانیا و اقبالش به آمریکا درسی نگرفت و در ۹ ماهه‌ی نخست وزیری خود به آمریکا روی خوش نشان می‌داد. بازرگان که از مخالفان اصل ولایت فقیه بود، در صدد انحلال مجلس خبرگان رهبری نیز برآمد اما این تلاش به سرانجامی نرسید. عاقبت بازرگان پس از تسخیر لانه جاسوسی و کشف اسنادی از سفارت آمریکا، به همراه کابینه‌ی خود، دسته‌جمعی استعفا دادند.

از نیمه ی آبان ۵۸ تا نیمه ی بهمن ماه همان سال، ایران فرصت داشت تا در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری به اولین منتخب مردمی خود اعتماد کند. بالغ بر ۱۰ میلیون رای، از ۱۴ میلیون آرای مآخوذه، از اعتماد ملت به سید ابوالحسن بنی‌صدر خبر می‌داد. اما مشکل آن‌جا بود که هنوز مجلسی وجود نداشت و درست یک ماه پس از انتخاب بنی‌صدر مجلس شورای اسلامی تشکیل شد؛ نیمه‌ی اسفند ۵۸. و این موضوع شروعی بر تضادها میان قوه‌ی مجریه و مقننه بود. به نظر می‌رسید بنی‌صدر خود را بر قانون می‌دانست، نه تحت آن. نمایندگان ملت با بنی‌صدر بر سر انتخاب نخست‌وزیر به مشکل برخوردند و عاقبت در مرداد ۵۹ پس از کش‌وقوس‌های فراوان محمدعلی رجایی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. بنی صدر اما کابینه‌ی نخست وزیر را هم قبول نداشت و در نامه‌ای به امام‌خمینی از ناکارآمدی وزرا گله کرد. شروع جنگ تحمیلی



فاتحه‌ی انسانیت را بخوانید

به خاطر سکوت‌مان باید به خودمان بگوییم رحم الله من یقرا الفاتحه مع الصلوات!

انسان نیستیم، اگر ادعای انسانیت ما محدود به سیم خاردار مرزهای کشورمان باشد.

انسان نیستیم، اگر به خاطر فاصله‌ی مکانی، نسبت به درد دیگران بی تفاوت باشیم.

انسان نیستیم، اگر در کمک کردن به محرومان و مظلومان جهان، تبعیض قائل شویم.

خوشحالیم از داشتن دو دست، دو پا، دوچشم، یک سر و ظاهری شبیه انسان، اما بد نیست بدانیم حتی بوزینه هم به همین شکل و ظاهر را دارد. شاید تنها تفاوت آن با ما این است که او خودش است و ما لبریزیم از ادعا و دروغ!

ادعای دفاع از حقوق بشر، ادعای مدافع عدالت بودن، ادعای مدافع انسانیت و و...

اما دریغ از سر سوزنی تلاش برای تحقق این شعارها. کاش می‌دانستیم با اداکن‌های گران‌قیمت تعفن انسان نبودن را نمی‌توانیم بپوشانیم.

اگر انسانیت زنده بود، حداقل به اندازه پلک‌زدنی، نسبت به این فاجعه، واکنش نشان می‌داد.

اما دریغ...

کاش گوشی برای شنیدن درد مادران وجود داشت، مادرانی که چند روز است از دختران ربوده‌شده‌شان خبر ندارند. کاش صدای بغض آلود پدران‌شان به گوش همه عالم می‌رسید. کاش ادعای بشر گوش فلک را کر نکرده بود که صدای این

دخترکان هم شنیده می‌شد.

راستش را بخواهید به گوش‌هایم شک کردم وقتی شنیدم بیش از ۳۰۰ دانش آموز دختر در نیجریه ربوده شدند.

تصورش را هم نمی‌کردم در قرن بیست و یکم امکان رخ دادن چنین فجایی وجود داشته باشد.

برایم عجیب بود که جستجو در اینترنت نشان می‌داد این خبر یک شایعه نیست؛ واقعیت است!

خبری به این مهمی را باید بعد از گذشت سه چهار روز به طور اتفاقی می‌شنیدیم؟!

یعنی بیش از ۳۰۰ دانش آموز دختر از مدرسه‌ای شبانه‌روزی ربوده شدند و از این درد کسی خبردار نیست؟!

چند ماه قبل نیز، در آذر ماه، بیش از ۳۰۰ دانش آموز پسر توسط بوکوحرام، گروهی داعش‌مسلک که با اسم اسلام هر کاری می‌کنند، ربوده شدند که در آخر با تلاش بسیار، بعد از یک‌هفته به آغوش خانواده بازگشتند.

اما سوال این است که این ربودن‌ها تا به کی؟ به چه دلیل؟!

اکنون برای بازگشتن این دختران نیز وظیفه‌ی ما آگاه‌سازی‌ست.

آگاه‌سازی تنها سلاح کاربردی ما برای مقابله با این جهالت مدرن است. جهل مدرن دست و پای انسانیت را بسته است و آگاهی‌بخشی تنها سلاح کاربردی برای مقابله با آن است.

باید ادامه بدهیم تا جهانی با انسانیت واقعی بسازیم. و چقدر هنوز فاصله داریم از تفکر امام خود:

«باید باور کنیم که جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.»

ارائه‌ی محتوای جنسی به کودکان در هر دین و آیینی، عملی شیطانی، ناپسند و دور از انسانیت است.

اختلالات و پریشانی ذهنی، بلوغ زودرس و انحراف‌های جنسی، از جمله خطراتی است که می‌تواند به تبع این کار پیش بیاید و آینده‌ی کودکان را به خطر بیندازد.

شاید برخی والدین ندانند یا این را کم اهمیت بشمارند که بلوغ زودرس در اثر مطالب جنسی، تا چه حد می‌تواند یک نوجوان را تحت فشارهای روانی قرار دهد.

امروزه بسیاری از نوجوانان ما، تحت تأثیر فضای مجازی و حقیقی، درگیر این مسأله شده‌اند؛ تا جایی که شاهدیم کودکان حتی در سنین بسیار پایین از جزئیات مسائل جنسی آگاهند.

این زنگ خطری‌ست که مدت‌ها پیش به صدا درآمده و ظاهراً جز مسئولان مربوطه، همه آن‌را شنیده‌اند.

تهاجم فرهنگی دشمن، از اموری ساده و به‌ظاهر منطقی شروع شد. اما هرچه بیشتر گذشت، جزئی‌تر شد و تغییر در سبک زندگی مردم را در پی داشت. این تغییرات، افکار و عقاید، ظاهر، جنس پوشاک و حتی ذائقه‌ی مردم را تحت تأثیر قرار داد.

اخیراً اما پا را فراتر گذاشتند و با حمایت آمریکا و پول عربستان، ذهن و روح و روان کودکان و نوجوانان ما را هدف

گرفته‌اند. و از هیچ ابزاری در این راستا فروگذار نمی‌کنند. جالب آن‌جاست که در سایه‌ی غفلت و نداشتن نظارت کافی خانواده‌ها، یکی از بسترهایی که بیشترین بازنشر این محتوای مهاجم را به خود اختصاص داده، در کمال تعجب پیام‌رسان‌های داخلی شاد و روبیکااست که البته در صداوسیما جمهوری اسلامی بارها از آن‌ها تبلیغ نیز شده است! فیلترینگ مسأله‌ی ما نیست، کنترل فضای مجازی که به حال خود رها شده مطالبه‌ی جدی ماست.

از فیلم‌ها و انیمیشن‌ها تا ابتدال هنر و موسیقی؛ این گرا را داشته باشید که چه برنامه‌ها، آثار و مجموعه‌هایی با بودجه‌های کلان عربستان سعودی و ایالات متحده شارژ مالی و تولید می‌شوند. این که چرا دشمن با هزینه‌های هنگفت و استفاه از مسائل شهوت آلود، محتوای رایگان در اختیار ما قرار می‌دهد، جای تأمل دارد!!

مولا علی(ع) می‌فرمایند، اسیر شهوت، اسیری است که هرگز از اسارت رهایی نمی‌یابد! مگر غیر از این است که می‌خواهند ما را اسیر کنند؟

و چه اسارتی بدتر از قیود شهوانی که زنجیرهایی محکم و نامرئی هستند....

حمزه کرمی

جایگاه زن در اسلام

اسلام طرفدار تکامل بشر است. تکامل انسانی مطرح است، یعنی برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست.

یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ زیرا هر دو بخشی از یک پیکره‌ی بشرند، دو بخش از وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه‌ی الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.

هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان، این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به‌شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. مسلمانان، آن‌چه به نام اسلام است و غلط است، از آن‌ها دفاع نکنند. آن‌چه متعلق به اسلام است، بیّنات اسلام و مسلمّات اسلام است. چنین مسائلی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده تعادل قائل است.

در آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد، می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً». «از جمله‌ی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، و از جنس خودتان، همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را که از خودتان هستند».

«من انفسکم»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایف‌شان دوتاست.

آیه قرآنی می‌فرماید: «لتسکنوا الیها» یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده، مرد در کنار زن، زن در کنار مرد، آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند دژ مستحکمی باشد، چرا که جسم مرد قوی‌تر از زن است، این‌ها، یک خوشبختی و مایه‌ی آرامش و سعادت است.

خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است «لتسکنوا الیها» هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد.

آیه قرآنی می‌فرماید: «و جعل بینکم مودّة و رحمة» «رابطه‌ی درست زن و مرد این است: مودّت و رحمت، رابطه‌ی دوستی، رابطه‌ی مهربانی؛ هم یک‌دیگر را دوست بدارند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست».

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فیما بین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه‌ی عشق و مهربانی است: «مودّة و رحمة».

اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و سلطه جویی به زن نگاه کرد، این ظلم است، متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است.

هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه‌ی اسلامی با او مقابله کند.

اگر یک کشور اسلامی، جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا کند، در این تردیدی نیست اگر چنین شود، پیشرفت و ترقی و تعالی این کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد.

چاشنی انفجار نباش

چاشنی این انفجار نباش!!

حرف از سیستان که می‌شود تمام ذهنم به سمت یک منطقه محروم تمام خاکی، بدون حتی یک درخت می‌رود که سالهاست به مردمش بدهکاریم. خیلی چیزها به پیر و جوانش بدهکاریم. آب و گاز و برق و غیره که چیزی نیست، ما به ایشان روی خوش زندگی را بدهکاریم.

و تو او ببخش که محکوم است در یک کپر سه در چهار چشم به دنیا بگشاید و تا به خود بیاید جوانکی شده اما چهره‌اش مثل یک مرد ۴۰ ساله پر پیچ و خم شده و پشت فرمان تویوتای به‌جا مانده از پدر مرحومش نشسته و دنده صد تا به گاز چاق می‌کند تا نان خانواده را درآورد. تو او را ببخش که در زمین‌های اطرافش به جای برنج و گندم و ذرت باید خشخاش درو کند و به جای بار میوه و سبزی باید پشت آن تویوتا، یک تانکر بنزین بگذارد و با ترس جان، نان در بیاورد.

با همه‌ی این‌ها اما هیچوقت از نداشتن یک سقف سالم یا جرعه‌ای آب شیرین گله ندارد و معترض نیست. نجیب و ساکت تنها خیالش همان نان شب زن و بچه است. همین که بارش را ببرد پشت مرز، آن‌جا بفروشد و پولش را بیاورد و خرج خانواده اش کند، او را کفایت می‌کند.

اما همین به اصطلاح سوخت‌بری اگرچه برای او نان خانواده است، اما برای مملکت هزینه‌بردار است. قاچاق سوخت است دیگر؛ شاخ و دم که ندارد. سرمایه‌ی کشور است که دارد بر باد می‌رود. همان‌طور که جوانی ایشان سرمایه‌ی کشور است. دوسر باخت است. و راه‌حلی نیست چون توجهی نیست. چون دغدغه‌ای نیست. چون فاصله‌شان تا پایتخت بیش از هزار کیلومتر است. نه صدایی می‌آید و نه سیمایی دیده می‌شود. تیترا جذابی هم برای رسانه‌ها نیست. کک ما هم که نمی‌گزد.

ماشین وزیر و نماینده هم که جاده‌خاکی نمی‌رود و سیستانی که داستانش پر است از جاده‌های خاکی. غائله‌ی اخیر سراوان اتفاق تازه‌ای برای سیستان و مردم و مامورانش نبود. در راه سوخت‌بری خیلی‌ها دعوای‌شان شده، حالا یا یک هم‌لباس یا با یک مامور گشت. جنس دعوا هم که آن‌جا مشیت و لگد و تیزی و چاقو و چماق نیست؛ گلوله است. پس مجروحش هم زحمی و دست و پا شکسته نیست؛ کشته است. حالا یک روز ماموری پریپر می‌شود و یک روز جوان بلوچی. اما با همه‌ی این‌ها پای غریبه‌ها این وسط نیست. آن‌جایی داستان ترسناک می‌شود که پای غریبه‌ها به این داستان باز بشود. فکر نکنم سال‌های سال گنده‌تر از عبدالملک ریگی به خود ببینند. آن‌که یاغی و یکه‌بزن‌شان بود سرانجامش چنان شد. این جیش الظلم و غیره که...

آن‌جایی ترسناک می‌شود که وقتی سراوان را سرچ می‌کنی، آن‌قدر که تیترا بی‌بی‌سی و اینترنشنال بالا می‌آید خبری از مهر و فارس یا ایسنا و ایرنا نیست. آن‌جایی ترسناک می‌شود که نه حرف محفل نمایندگان مردم است و نه دولت‌مردان. آن‌جایی ترسناک می‌شود که شیوخ شیعه و سنی بلوچستان سکوتی کرده‌اند که نتیجه‌اش را نمی‌دانم. آن‌جایی ترسناک می‌شود که نیروهای امنیتی بیانی‌ای نمی‌دهد و این گرد و خاک بلند شده را نمی‌خواهاند. و من از همه این ترسناک‌ها وقتی می‌ترسم که این دومینو شروع به افتادن کند و قطعه آخرش چاشنی یک انفجار در منطقه باشد. انفجاری که موجش تا آن‌طرف‌های خلیج هم می‌رود. بحرانی می‌آفریند از یک اتفاق همیشگی و غیر تکراری مردمان بلوچ.

این وسط لااقل تو قطعه‌ی این چیدمان پرخطر نباش!!

امین میرشکاری

سرگشاده

اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، سلام‌علیکم.

دولت تدبیر و امید از ابتدای مسیر حرکتش به بهانه‌ی ایجاد گشایش‌های اقتصادی و بهبود اوضاع معیشتی مردم، کاهش تورم و گرانی را به مذاکره با سلاطین غرب گره زد، گویا تنها راه علاج اقتصاد کشور بستن با کدخدا است.

پس از اجرای برجام در دی ماه سال ۹۴، برخی از سیاستمداران غربی این را مطرح می‌کردند که اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد تحریم‌های بانکی خود را لغو کند باید به FATF بپیوندد، آن‌ها FATF را برجام کوچکی در دل برنامه جامع اقدام مشترک می‌دانستند.

این بار شاهد تلاش‌ها در جهت پذیرش FATF به بهانه‌ی روابط اقتصادی ایران با سایر کشورها هستیم. موافقان FATF در داخل کشور بر این باورند FATF تنها به دنبال کنترل مجاری رسمی نقل و انتقالات مالی، یعنی سیستم بانکی است و چون ایران در شرایط تحریمی از مسیرهای غیررسمی مبادلات مالی خود را انجام می‌دهد، همکاری با FATF ضروری برای ایران ندارد! این استدلال کاملاً خلاف واقع است؛ زیرا مسیرهای غیررسمی نقل و انتقالات مالی، استفاده از سیستم صرافی‌ها و جابجایی وجوه نقد است که دو بند از برنامه اقدام FATF، مربوط به کنترل و نظارت بر صرافی‌هاست!

گران شدن ارز در پی شناسایی و تحریم ۴۰۰ صرافی فعال در دبی در شهریور ۹۷ می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد. آمریکا در سال ۹۷ اقدام به تاسیس شعبه منطقه‌ای وزارت خزانه داریش در کشورهای حاشیه خلیج فارس موسوم به TFTP نمود و با دسترسی به اطلاعات صرافی‌ها اقدام به تحریم و مسدودسازی کانال‌های دور زدن تحریم نمود، که این یکی از تجربه‌های تلخ همراهی ایران در بستر FATF به شمار می‌آید.

پذیرش و تصویب FATF به هر شروطی و در هر حال زیان بار است. پذیرش آن یعنی چه در صورت برداشته شدن کامل تحریم‌ها و چه در حالت فعلی می‌پذیریم نقل و انتقالات پول در کشور رصد شود و هرزمان بخواهند تراکنش‌ها بی‌هیچ محدودیتی در دسترس قرار بگیرد. پذیرش مشروط تنها اهرم فشار برای انجام تعهدات است زیرا با تصویب آن خود را به عضویت در آورده و ایران را در برابر عدم انجام تعهدات تحت فشار قرار می‌دهد.

همچنین بر اساس بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون پالمو، کشورهای عضو باید انتقال مبالغ بزرگ پول نقد و اوراق بهادار را نیز رصد کنند و در صورت نیاز اطلاعات آنها را افشا نمایند. یعنی ایران در صورت همکاری با FATF ملزم به کنترل، رصد و افشای اطلاعات مربوط به مسیرهای غیررسمی نقل و انتقالات مالی خواهد شد! و در این شرایط تحریمی، راه‌های تنفس اقتصاد ایران نیز به دست خود مسدود خواهد شد! لذا باید تا رفع کلیه تحریم‌ها رد شود.

شنیده شده است که در جلسات اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخی از مدیران دولتی با ارائه گزارش‌های غیر کارشناسانه با بیان اینکه اگر ما لوائح FATF را نپذیریم اقتصاد کشور دچار بحران جدی می‌شود و ما در مبادلات ارزی مان دچار مشکل هستیم، در بین اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام فضای شرطی را ایجاد کرده‌اند.

همانطور که مستحضری وضعیت تجارت خارجی (هزینه‌ی تراکنش‌های مالی و بانکی - فروش نفت) در ماه‌های گذشته بهبود یافته است. به گزارش بلومبرگ و رویترز، صادرات نفت ایران به بیش از یک میلیون بشکه رسیده است. هزینه‌ی تراکنش‌های مالی تجارت خارجی نیز کاهش یافته و به کمتر از ۵ درصد رسیده است. به اذعان رئیس بانک مرکزی، میانگین رشد اقتصادی در شش ماه اول سال جاری نیز هم در بخش نفتی و هم در بخش غیرنفتی مثبت بوده است.

لذا حرکت کشور به سوی خنثی‌سازی تحریم و یافتن راه‌هایی به جهت صادرات نفت بوده است. با این حال بخشی از مدیران دولتی نگاه‌شان به دستان سیاستمداران غربی بودن و راه برون رفت از مشکلات اقتصادی کشور را در خارج از مرزهای ایران اسلامی می‌بینند.

رهبر معظم انقلاب در دیدارهای اخیر خود چندین بار با تأکید فرمودند که: کشور‌های غربی باید تحریم‌ها را لغو کنند و ما هم سپس باید راستی آزمایی کنیم، تا اینکه به تعهدات برجام عمل کنیم و این حرف قطعی ماست. در این مدت شاهد آن بوده‌ایم که کشورهای غربی به تعهدات خود پایبند نبوده‌اند، با این حال چرا ما باید بار دیگر به طرف مقابل مان اعتماد کنیم.

دولت محترم بهبود شرایط معیشتی و اقتصاد ملت عزیز را منوط به پیوستن ایران به FATF می‌داند. به نظر می‌رسد برخی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام به FATF نگاه انتخاباتی دارند و در این شرایط به جای اینکه روشنگری کنند و از آنچه که مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران است، دفاع کنند موضع منفعله گرفته و سخن از پذیرش FATF مشروط به دلایلی را مطرح می‌کنند.

جمعی از دفاتر بسیج دانشجویی سراسر کشور از شما اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام مطالبه می‌کنند که با اقدامی کارشناسانه در جهت حفظ منافع کشور و مردم گامی مؤثر در رد همکاری با FATF برداشته و ریل‌گذاری مناسبی برای تقویت بنیه اقتصادی با تکیه بر داخل داشته باشید.

بخت فوتبال ایران

این اما فقط حضور جادوگر نبود که از کف فوتبال رفت. در این داستان، نایب‌رئیس اول پیشنهادی او یعنی مهدی مهدوی‌کیا نادیده گرفته می‌شود؛ مردی که سال‌ها پیراهن شماره دو را به تن کرد و قرار بود نفر دوم فدراسیون کریمی باشد اما نشد و چه حیف که نشد.

در فدراسیون فوتبال، فوتبالی‌ترین کاندید ریاست تنها ۹ رای را به خود اختصاص داد و حتی کاپیتان تیم ملی با آن موهای ژل زده و پالتوی خوش رنگ خود هم به هم بازی قدیمی خود رای نداد. رای وی در صندوق رای گیری شیشه‌ای بال‌زد و بال‌زد تا رای حاج صفی را لو داد. البته باید ایراد اصلی را نه به حاج صفی و بلکه به دوربین‌های عکاسی و خبرنگاران حاضر در صحنه بگیریم که تا این حد در لنزهایشان پیشرفته شده‌اند. البته که هرکس حق رای‌ای برای خود دارد و هیچ اشکالی هم ندارد که علی کریمی انتخاب حاج صفی نبود

ادامه دارد

مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال در شرایطی برگزار شد که در پایان، شهاب‌الدین عزیزی‌خادم به مدت چهارسال به عنوان رئیس جدید انتخاب شد. علی کریمی که با سروصدای زیاد وارد فضای انتخاباتی شده بود، با ۹ رای به کار خود در انتخابات فدراسیون فوتبال خاتمه داد. به عبارتی از ۸۷ رای، تنها ۹ نفر بودند که علی کریمی را به عنوان رئیس فدراسیون برگزیدند تا او شانس حضور در دور دوم را هم نداشته باشد. این در حالی است که باتوجه به حضور مدیران باشگاه‌ها، مربیان تیم‌های ملی و همچنین کاپیتان تیم ملی طرفداران علی کریمی تصور می‌کردند که او رای بیشتری را تصاحب کند اما این اتفاق نیفتاد و در میان تشویق حاضران سالن را ترک کرد. از شکست علی کریمی در انتخابات فدراسیون به عنوان «بخت فوتبال» یاد می‌شود؛ تعبیری که شاید بیراه هم نباشد



باخت فوتبال ایران

نویسنده : پویا حاجی زاده

باخت فوتبال ایران

سخن

از رای حاج صفی هم بگذریم ؛ باید ببینیم چه بر سر فوتبال ما آمده که کریمی و مهدوی کیا ، با دوعنوان مرد سال آسیا ، بازی در بوندسلیگا و بازی در لیگ قهرمانان و مجموعاً حضور در ۳ جام جهانی و ۷ جام ملت های آسیا و کوله باری از افتخارات دیگر ، تنها ۹ نفر حاضر به رای دهی به آن ها شده اند ؟ آیا این دو شایستگی و صلاحیت حضور در فدراسیون فوتبالی که خودشان انبوهی از افتخارات را به آن هدیه کرده اند و به اعتبار آن افزوده اند را ندارند ؟ قطعاً جواب خیر بوده و علت را باید در روابط و لابی گری های فوتبال دید . همان لابی گری هایی که باخت به ویلموتس ، باخت به رای های AFC و باخت به بحرین و عراق از ثمرات آن است . در هر صورت من نیز به نوبه ی خود مانند علی کریمی با تاخیر روز مهندس را به مهندسین عزیز سرزمینم ایران و به ویژه مهندسین انتخابات تبریک می گویم !

اشکال کار آنجاست که حاج صفی زیر پست سیدجلال حسینی کاپیتان پرسپولیس حمایت خود را از علی کریمی اعلام کرده و در حرکتی روناالدینیویی رای خود را به مصطفی آجرلو داده است و در پایان هم عکسش را با عزیزی خادم گرفته است و به عبارتی محبتش را بین همه به یک اندازه پخش کرده است ! همین موضوع خشم فوتبالی های قدیمی و پیشکسوت را برانگیخته و طعنه و کنایه های زیادی را به کاپیتان تیم ملی زده اند . در پایان همه ی این داستان ها و یک توصیه به حاج صفی که برای رای های بعدی خود حتماً یک کلاس «تا کردن رای» را بیاموزد و به قول عبدالله روا اصلاً رای را باید بجویی و قورت بدی بعد بندازی !

واکسن چی شد؟!

۲۱ بهمن بود که وزارت بهداشت، واکسیناسیون کرونا را با استفاده از واکسن اسپوتنیک وی، ساخت کشور روسیه آغاز کرد؛ وزارت بهداشت بر اساس سند واکسیناسیون تعیین شده، اولویت تزریق واکسن را با کارکنان بخش مراقبت‌های ویژه، مراکز درمانی، کادر درمان و بعد از آن خانه‌های سالمندان و افراد بالای ۶۵ سال قرار داد. واکسن اسپوتنیک وی بر اساس نتایج مرحله‌ی آخر آزمایش انسانی، اثربخشی ۹۱٫۶ درصدی دارد و بی‌خطر است.

معاون وزارت بهداشت اعلام کرد که تاکنون ۱۵۰ هزار دوز (دُز) واکسن روسی و چینی وارد کشور شده است و تا اوایل هفته آینده ۲۰۰ هزار چنده گذاری واکسن دیگر به کشور وارد خواهد شد و تا پایان سال ۹۰۰ هزار چنده گذاری از سبب کوکس تزریق می‌شود.

تا اردیبهشت ۱۴۰۰ اعلام شده است که ۴٫۲ میلیون چنده گذاری واکسن به کشور وارد می‌شود که براساس اولویت

نسبت به واکسیناسیون اقدام خواهد شد. واکسن‌های ایرانی هم با طی کردن مراحل انسانی خود به کمک واکسن‌های خارجی برای مقابله با کرونا در ایران خواهند آمد.

واکسن گُووایران برکت نیز در فاز اول انسانی خود را با تزریق واکسن به ۵۶ داوطلب در دو مرحله انجام داده است و قرار است تا ۱۶ اسفندماه، مطالعه فاز دوم و سوم به صورت تلفیقی آغاز شود. فاز دوم و سوم گُووایران برکت حدود ۲۰ هزار نفر را شامل خواهد شد.

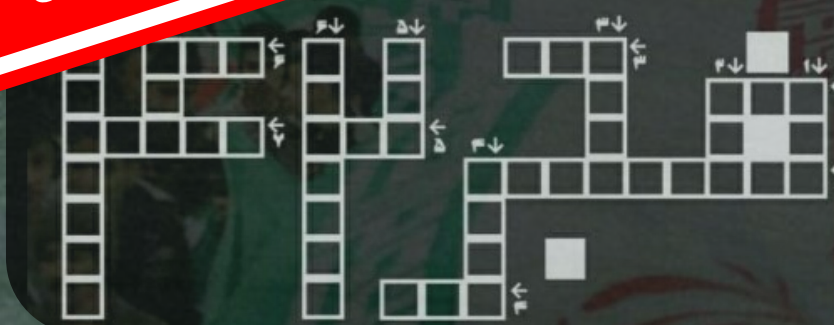
در تزریق این واکسن تاکنون غیر از عوارض معمول واکسن‌ها، عوارض خاصی دیده نشده است.

کُووایارس دومین واکسن ایرانی کرونا نیز به عنوان اولین واکسن تزریقی-استنشاقی پروتئین نو ترکیب کووید-۱۹ نیز مراحل اولیه خود را طی کند.

امید است واکسن‌های ایرانی هر چه زودتر مراحل پایانی خود را طی کنند و ایرانیان از واکسن تولیدی دانشمندان این مرز و بوم برای رهایی از بندِ کرونا استفاده کنند.

محمد علی دشتی نژاد

حل جدول شماره‌ی قبل



افقی:
(۱) مخفف سپاه (۲) پیر جماران (۳) سید محرومین (۴) سرزمین اسارت (۵) ماه انفجار دفتر ریاست جمهوری (۶) سرشک (۷) تفسیر رژیم یا اهرم نظامی عمودی:
(۱) سرویس اطلاعاتی آمریکا (۲) پرنده ی خوشبختی (۳) دیکتاتور اعدامی (۴) تک (۵) نماینده‌ی ترور شده‌ی تهران (۶) شیخ اشراق (۷) تابوت بنی اسرائیلی (۸) کاخ موزه ی قاجاری

جواب‌ها: ۱- سپه ۲- امام خمینی ۳- صدر ۴- شام ۵- تیر ۶- دمع ۷- کودتا ۸- نیاوران ۹- سپاه ۱۰- صدام ۱۱- یورش ۱۲- همت ۱۳- سهروردی ۱۴- عهد ۱۵- نیاوران

برندگان به قید قرعه: حمیدرضا رزمجو، شیوا کرمی اشترجانی و سحر عمادی

برندگان می‌توانند جهت دریافت جوایز خود به صفحه‌ی اینستاگرامی pguavani مراجعه و با احراز هویت هدیه‌ی خود را دریافت کنند. سپس از همراهی شما خوبان





رسانه را برای تان بخوانم، البته آنرا خلاصه می‌کنم تا بهتر فهم شود:

«در مقابله با یک جریان، نیروی‌های فرهنگی‌ات را تقسیم کن، به هرکدام یکی از این وظایفی را که در ادامه خواهم نوشت محول کن. زمانی که با یک جریان روبرو شدی، در ابتدا آن‌ها را بایکوت کن، گویا چیزی نبوده است. اگر دیدی که کار از دست خارج شده، وارد فاز تمسخر و بی‌ارزش قلمداد کردن آن‌ها شو. اگر باز هم جریان گسترده‌تر شد، آن‌وقت زیباترین و پیچیده‌ترین بخش عملیات را شروع کن، می‌خواهم آن‌را با یک ضرب‌المثل بیان کنم: «در مقابل با یک جریان قدرتمند هرگز نیست، بلکه با آن‌ها همراه شو، در لایه‌های‌شان جای خودت را پیدا کن و به موقع مسیر جریان را تغییر بده»

باید دقت کرد که هر کدام از این بخش‌ها ظرایف خود را دارد، اما در نهایت این اتفاق می‌افتد، که تو فشار مردم را کنترل می‌کنی، و می‌توانی تا همیشه ضامن سلامتی سرمایه‌داران عزیز باشی. در هر زمان که دیدی مردم از چیزی عصبانی هستند و کار از مرحله ۱ و ۲ گذشته، باید چندین اثر، مانند سینمایی‌ها و هاردتاک‌ها را در گونه‌های متفاوت، تولید کرد تا بتوان آن‌ها را کنترل نمود.

چه کنم که دستانم بسته است و بیش از این نمی‌توانیم به شما رهجویان ایران مدرن درسی بیشتر بدهیم؛ هوا برای نفس کشیدن کم است؛ یعنی دستان ما را در یوغ کرده‌اند که بیشتر ننویسیم. به هر حال یک چیز را فراموش نکنید، سرمایه‌داران ولی نعمت شما هستند؛ آن‌ها را اطاعت کنید که رستگاری در همین است!

سید امیر حمزه حسینی

بخش دوم برای من خیلی جذاب است. تخیل. می‌خواهم بخش تخیل و هنر را با هم بگویم. اینجا دیگر قرار نیست همه چیز را مستقیماً و با زرق و برق در چشم مخاطب فرو کنیم.

این قلمرو بسیار حساس است، با ناخودآگاه انسان‌ها سر و کار دارد و می‌بایست با دقت آن‌را تکمیل کرد. خوبی این حیطة این است که کسی نمی‌تواند مستقیماً تو را متهم کند و ممیزی به تو بزند. حتی اگر یک کارشناس سینما هم این را فهمید و آن‌را داد زد، باز برای مردم عادی قابل درک نیست و تو نیز لازم نیست نگران باشی. تنها به ساخت موضوعات هنری‌ات ادامه بده. علاوه بر موارد بالا، همه تو را دوست دارند، حتی کسانی که تو در لایه‌های فیلمت آن‌ها را به خواری می‌کشانی نیز، برای تو دست می‌زنند، که ۲ دلیل می‌تواند داشته باشد. یا نمی‌دانند یا نمی‌توانند تو را نادیده بگیرند. این بخش را باید خیلی در لفافه بگویم تا از تیغ ممیزی بگذرد، اما کار تو از آن‌جا که با ناخودآگاه مخاطب روبروست می‌بایست ریشه را هدف بگیرد، دیگر لازم نیست مستقیماً سبک زندگی سرمایه‌داری را تکرار کنی، بایستی محور توحید را که در مقابل محور ما که همان اومانیسیم هست، هدف قرار دهی، باقی ماجرا خودش حل می‌شود.

و اما بخش چهارم، از برگ برنده‌های ما می‌تواند باشد. هم نان دارد هم آب، هم چهره زیبایی از ما می‌سازد، هم دهان مخالفان را می‌بندد. بله منظور من «سوپاپ اطمینان» است. می‌دانید برای این بخش می‌خواهم از پروتکل‌های خاص



۱۹ ساله بود که پرید. چنان بی بال و پر که پرندگان که او غبطه می خوردند. ۱۹ ساله بود، درست هم سن و سال من و شما. وقتی همه می توانستند تب و تاب کنکور داشته باشند. دکتر و مهندس یا وکیل شدن را، می توانست بماند و به این دنیا دل ببندد. می توانست بماند و تمام ناتمام های زندگی اش را به سرانجام برساند. اما عطای این جهان فانی را به لقایش بخشید. او دانشگاه دیگری را انتخاب کرده بود. به جای میز و صندلی پشت خاکریز و توی کانال، و به جای قلم اسلحه به دست گرفته بود. سیم چین به دست گرفته بود تا در میدان مین نفسانیت ها معبری باز کند و به سلامت از بگذرد. و چه زیبا فراگرفته بود طی طریق حق و حقیقت را. چه زیبا از پس پروانه شدن بر آمده بود تا چنان با شعله ی شمع یکی شود که تا ابدالدهر روشنی بخش محفل بشریت باشد.

باز آمده. عاقبت آن که سلوک گمنامی پیموده بود باز آمده. آن که عمودش دو متر قد بود، اندازه ی یک قنداقه افقی آمده. گرداگرد او حلقه بزیند. او چند واحد رشادت و شجاعت، چند واحد غیرت و مردانگی را برای تان تدریس خواهد کرد. او آمده تا هیأت علمی گروه رشادت در دانشگاه ما باشد. خوش آمدی مسافر و طائر قدسی.

خوش آمدی

پای درس تهذیب تو خواهیم نشست. برای مان در این دفتر، در این سرخط، سرمشق گذشت از نفس و وا گذاشتن و گذشتن از دنیا بگذار. بگذار در میدان پر مین و بلای جهان در امتداد مسیر تو گام برداریم. بگذار در هوای معطر حضورت نفس بکشیم. ما را بپذیر و شفیع مان باش...

حمزه کرمی

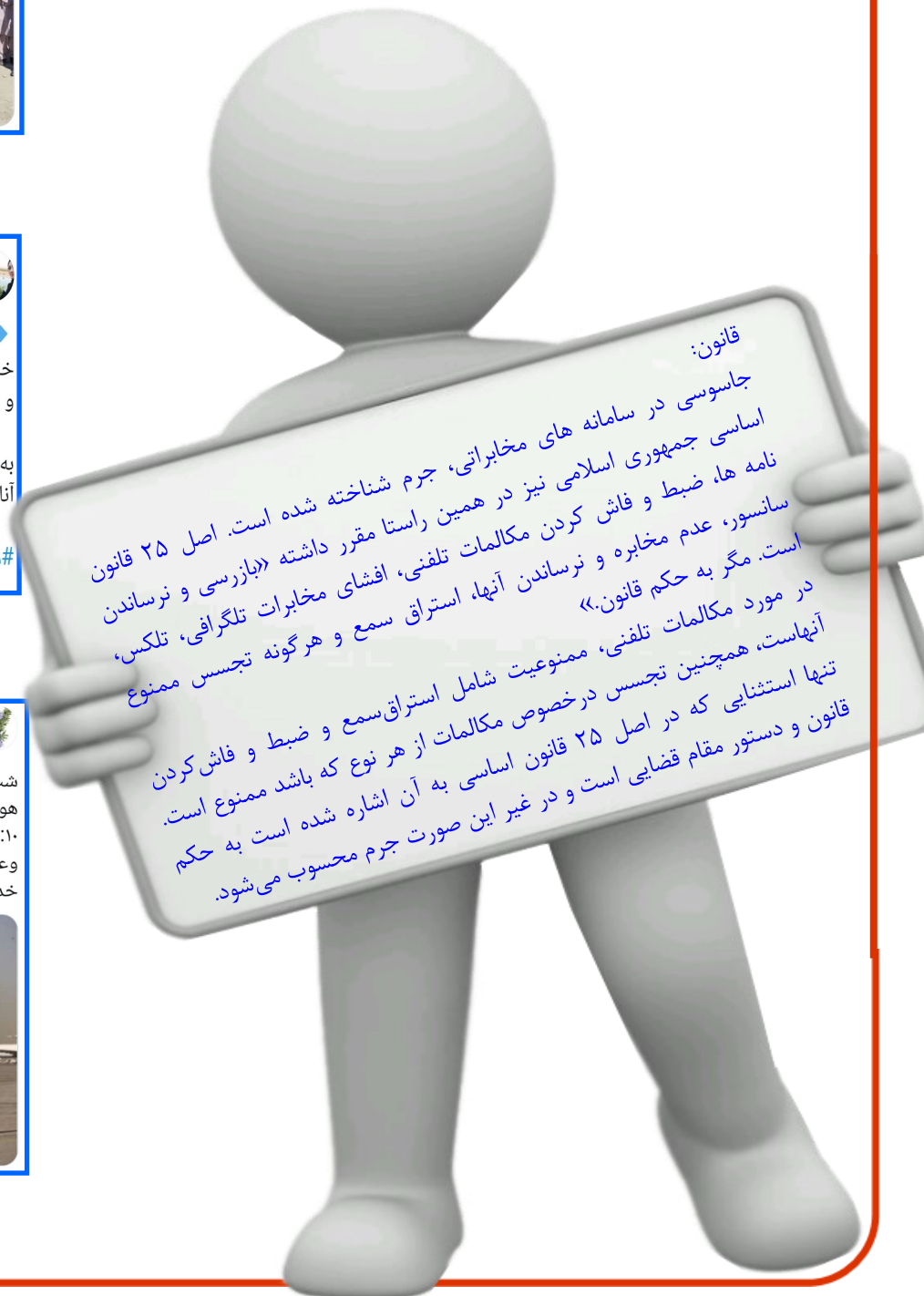
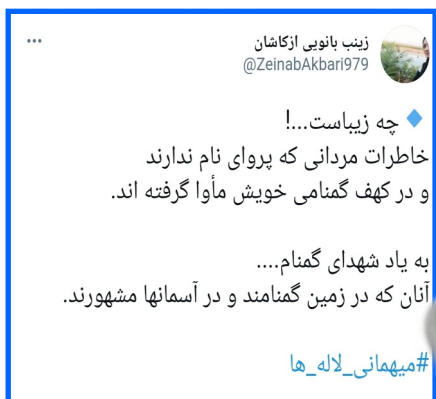
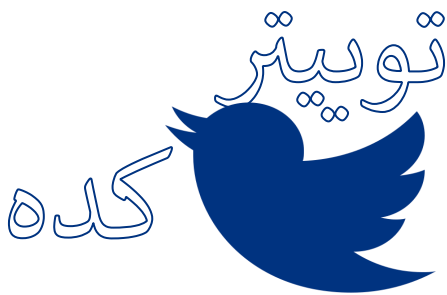
مواز همو اول اولشا که شنفتم یه شهید ۱۹ ساله اومده تو شهرمون سی زیارتش بی قرار شدم. آخه سی مونه بی لیاقتی که کرونا ی بنیوار گشته هم نداشتی بی دوشالی راهیان نور برم زیارت شهید نعمت گتی بی. هنی افتو جرینگ برازجن ننشسته بی که پی دلی بی قرار و چهره ای مضطرب سی محض حضور تو مراسم وداع باشهید رفته داخل دانشگاه آزاد. یکی از بچیل خومون داخل بی، بعد از سلام علیک کروناپی که دیه عادت مون شده سمت تابوت شهید گمنام رفتیم ولی همی که نزیک در مسجد شدیم تا طبق معمول تابوت شهید در قرق خواهران محترمه. دندون کرچک و اوقات تهیل، دس از پا دراز تر واگشتیم. مسئولین سانتافه سوار هم که درست عین شهدا خاکی هسن کمی اونطرف تر ویساده بیدن.

دلوم نمیخواس از کنار تابوت تکون یخرم. حتی ای ساعت از دوازه گذشته بو. تاریکی شو و باد خنکی که میومد دلومه مٹ کمتر باغی یل یادمان مارد فر می دا. شهید رو سوار آمبولانس کردن تا به ناحیه برگردونن. خیلی اتفاقی مانم مسافر ای آمبولانس شدیم. چقد میچسپه با شهیدی که ای همه سال تو بیابون فکه مهمون بی بی فاطمه زهرا بیده خلوت کنی. سعی میکردم با تماس تصویری بعضی از قوم و خویشل هم از این سعادت بی نصیب نذارم.

بالاخره وقتش رسید و جمعیت از چیش انتظاری در اومه. شهید از ره رسید. همه به احترام شهید از جا بلند شدن ری پاشون اویسادن. همه بغض کرده بیدن. مردمی که قدرشناس شهداشون و پای کشور شون ویسادن.

بعد از خوندن نماز شهید رو برای خاک کردن کنار مزار می بردن و همه سعی میکردن تبرکی داشته باشن. وو مو زمزمه میکردم ای شهید گمنام، ممنوهن دارتم که دعوتم کردی

محمد رضا بنافیان



اختلالات ناشی از نگاه کردن مداوم به تلفن همراه



راه‌های جلوگیری از بروز آسیب‌های چشمی

قانونی به نام بیست بیست بیست (۲۰/۲۰/۲۰) وجود دارد و مفهوم آن این است که در هر بیست دقیقه به مدت بیست ثانیه به بیست فوتی (۶ متری) نگاه کنید تا اثرات نامطلوب نگاه به صفحات مجازی از بین برود



لازم است پس از دو ساعت کار با گوشی همراه، تبلت و لپ تاپ حداقل بیست دقیقه به چشم‌هایتان استراحت دهید به طوریکه همراه با حرکات فیزیکی و تحرک به فواصل مختلف نگاه خود را بچرخانید و تغییر دهید



هر چه صفحه الکترونیک مورد استفاده در اندازه کوچک تری باشد اثرات نامطلوب بیشتری را به همراه خواهد داشت؛ بنابراین برای شرکت در کلاس‌ها بهتر است به جای موبایل از صفحات بزرگتر، مثل تبلت و لپ تاپ استفاده کنید



مراقب چشم‌های تان باشید

